

یکی از مسائل مهم امر پژوهش و انتشار نتایج آن در قالب نوشتارهای علمی، رعایت اخلاق پژوهش است. اما در حال حاضر اخلاق استنادی به عنوان بخشی از اخلاق پژوهش با چالش‌های جدی روبرو است. پژوهش حاضر به بررسی تجربیات پژوهشگران در حوزه رفتار استنادی و چالش‌های اخلاقی آن پرداخته و جنبه‌های اخلاقی رفتار استنادی پژوهشگران و مصادیق بی‌اخلاقی استنادی را بررسی و مورد تحلیل قرار داده و عوامل زمینه‌ساز و انگیزه‌های دانشجویان را در عدم رعایت اخلاق استنادی مورد واکاوی قرار می‌دهد. پژوهش، بصورت کیفی و با رویکرد پدیدارشناسانه انجام شده است. جامعه پژوهش را ۱۹ نفر از دانشجویان دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان تشکیل می‌دهند. با توجه به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با پژوهشگران، در بحث اخلاق استنادی در مجموع، ۵ مقوله اصلی شامل انواع استناد، گرایش استنادی، تأثیر همکاران، مهارت و آموزش و قوانین و سازوکارها شناسایی شدند.

■ واژگان کلیدی:

استناد، اخلاق استنادی، رفتار استنادی، سرقت علمی، سرقت ادبی، پژوهشگران، دانشجویان دکتری، دانشگاه اصفهان.

تجارب پژوهشگران در مواجهه با چالش‌های اخلاق استنادی

مطالعه موردی دانشجویان دکتری دانشگاه اصفهان

عاصفه عاصمی

دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان
af_asemi@yahoo.com

محبوبه شکوهیان

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان
mahboobeshokohian@gmail.com

قاسم موحدیان

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان
gh.movahedian@gmail.com

ابوالفضل اسدنیبا

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان
abolfazlasadnia@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

پژوهش را تلاشی نظام‌مند برای رسیدن به حقیقت تعریف می‌کنند. کشف و عیان ساختن آنچه در پرده ابهام بوده و بر دیگران پوشیده است با پژوهش محقق شده و افق‌های معرفتی انسان گشوده و مرزهای دانش فراخ‌تر می‌گردند. پژوهش از نیاز فطری انسان برای معلوم ساختن مجهولات و یا از نیازهای حیاتی انسان برای بقا و زندگی بهتر ناشی می‌شود.

امروز پژوهش در همه حوزه‌ها و رشته‌های معارف بشری بسیار گسترده شده و پیشرفت‌ها و تحولات علمی در گرو پژوهش است. در جهان امروز پژوهش به‌گونه‌ای پیچیده با پیشرفت و یا عقب‌ماندگی جوامع انسانی گره خورده است. (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۵) در اهمیت پژوهش همین بس که آن را موتور محرکه ملت‌ها می‌دانند. (ادیب و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۱) از این‌روی دولت‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری در حوزه پژوهش کرده و رقابت برای کسب جایگاه برتر علمی شدت یافته است.

مراکز متعدد پژوهشی با هدف تولید علم شکل گرفته و پژوهش و برونداد علمی از رسالت‌های اصلی دانشگاه‌ها قلمداد می‌شود و از آن‌روی که تبلور فعالیت دانشگاه‌ها در انتشار آثار علمی نمود پیدا می‌کند، دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر هم‌زمان با گسترش برنامه‌های تحصیلات تکمیلی به سمت افزایش تولیدات علمی خود در قالب مقالات علمی پژوهشی نیز سوق پیدا کرده‌اند. مطابق با داده‌های پایگاه اسکوپوس^۱ نرخ رشد مقالات علمی ۵/۳ درصد در سال است، که این امر به معنای اضافه‌بار اطلاعاتی و مطابق آن افزایش بیشتر تعداد محققان نسبت به گذشته است. (هاگت^۲، ۲۰۱۳: ۲۷۶)

شاید نتوان منکر مفید بودن افزایش نرخ انتشارات علمی شد، اما این افزایش در کمیت تولید متون علمی، چالش‌هایی را نیز موجب شده و بی‌اخلاقی‌های علمی نیز هم‌زمان با رشد نرخ تولید علمی و ازدیاد تعداد پژوهشگران، رو به فزونی نهاده است. به همین دلیل در سال‌های اخیر ویراستاران مجلات بر اطمینان یافتن از اینکه مقالات جدید حاصل داده‌های واقعی بوده و دانش جدید را به اشتراک می‌گذارند، بیش از گذشته تأکید می‌کنند. (والاس و سیرسما^۳، ۲۰۱۵: ۴۴۰)

با بروز و گسترش بی‌اخلاقی‌های علمی، مسئله اخلاق نیز به یکی از مسائل مهم امر پژوهش تبدیل شده و پژوهشگران را از آغاز تا پایان فرایند پژوهش با چالش‌های جدی

1. Scopus

2. Huggett

3. Wallace & Siersema

مواجهه کرده است و حتی اعتماد مخاطبان و بهره‌گیران نتایج پژوهش‌ها را خدشه‌دار ساخته است. بنابراین ضروری است نقض اخلاق علمی و مطالعه چالش‌های اخلاقی در پژوهش و بروندهای علمی و انتشار مقالات به‌عنوان یکی از مسائل مهم مبتلا به دانش نوین مورد مطالعه قرار گیرد.

رفتار استنادی پژوهشگران از جمله موارد مهمی است که همواره از جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته و اهمیت استناد و جایگاه آن در پژوهش، موجب بروز مسائل اخلاقی در این حوزه شده است. از این‌رو اخلاق استنادی و بررسی میزان توجه پژوهشگران به مسائل اخلاقی در امر استناددهی از جمله موارد مطرح در اخلاق پژوهش است. هدف نوشتار حاضر نیز بررسی تجربیات دانشجویان دکتری به‌عنوان یکی از گروه‌های کانونی در عرصه پژوهش و انتشار بروندهای علمی و شناسایی مصادیق بی‌اخلاقی در حوزه رفتار استنادی است.

چهار چوب مفهومی

توسعه هر پدیده، گسترش ضد آن و ضد اخلاق آن را نیز به‌همراه دارد. در این صورت با توجه به اینکه انتشار و توسعه علمی به‌طور عملی به اخلاق اجتماعی و اخلاق علمی مربوط می‌شود، ضد اخلاق علمی یا تقلب در انتشار آثار علمی نیز گسترش می‌یابد. (نوروززاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹) اطلاعات حاصل از نتایج پژوهش‌ها، تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف جوامع بشری را سمت و سو می‌دهند و پژوهش به‌عنوان فعالیتی که در بطن جامعه صورت می‌گیرد، در زندگی بشر مؤثر بوده و ممکن است جهت‌گیری اخلاقی، غیر اخلاقی و یا حتی ضد اخلاقی داشته باشد. بنابراین دغدغه مسئولیت‌پذیری در فرایند تحقیق، پژوهشگر را نیازمند علم اخلاق ساخته (سیبر^۱، ۱۹۹۲ و فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۰) و توجه به اخلاق پژوهش ضرورت پیدا می‌کند. با اهمیت یافتن پژوهش‌ها و استفاده گسترده از نتایج پژوهش‌ها، موضوع اعتبار پژوهش و صحت نتایج و اطمینان به پژوهشگران، مطرح شده و مباحث اخلاقی در پژوهش‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. توسعه مسائل مرتبط با اخلاق پژوهش، موجب پیدایش مطالعات نظام‌مند فراوانی در هر یک از گستره‌های معرفتی شده (بحرینی، ۱۳۸۹: ۴۰) و مطالعات دامنه‌دار و گاهی مناقشه‌آمیز را موجب شده است. البته دیدگاه‌های مختلفی در این عرصه

و در خصوص به کارگیری مسائل اخلاقی در پژوهش وجود دارد. اینکه اساساً اخلاق در پژوهش چه مسائلی را مورد بررسی قرار می‌دهد و رابطه بین علم و اخلاق چگونه باید باشد و پرسش‌های فراوانی که هنوز در محافل علمی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و دست یافتن به دیدگاه جهانی و توافق کلی بر این مسائل دور از انتظار است. بحث اخلاق در همه مراحل گسترده پژوهش می‌تواند حضور داشته باشد و از تصمیم به انجام پژوهش و انتخاب مسئله پژوهش تا تدوین و انتشار نتایج پژوهش را در بر گیرد.

اخلاق پژوهش را به معنای بررسی امکان و شرایط رعایت قواعد و اصول اخلاقی در پژوهش‌های نظری و عملی تعریف می‌کنند. (خنیفر و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۶) میزیارا^۱ (۲۰۱۰: ۵۴۳) اخلاق در زمینه انتشارات علمی را به طور مستقیم در ارتباط با مالکیت معنوی اثر می‌داند و بحرینی (۱۳۸۹: ۴۳) اخلاق پژوهش را یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی نام برده که فراتر از توصیه‌های اخلاقی بوده و دانشی منسجم را به دست می‌دهد که با اهداف، منابع، رهیافت‌ها و روش‌شناسی مشخص امکان تشخیص درست و اثربخش مسائل اخلاقی را میسر می‌سازد.

اخلاق پژوهش شامل دو حالت کلی است: یکی اصول اخلاقی مربوط به عناوین و یافته‌ها که آن را در عبارت وجدانیات می‌توان جستجو کرد و دیگری اصول اخلاقی مربوط به روش‌ها و فرایندهای علمی است که عنوان مربوط به آن در عبارت امانت‌داری به ظهور می‌رسد. (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۲) آنچه که در بُعد امانت‌داری قابل بررسی بوده، رعایت و پایبندی به اصول اخلاق استنادی در انجام پژوهش است. پژوهشگران در واقع با استناد به آثار دیگران و بنا نهادن پژوهش خود بر پژوهش‌های پیشین، در صدد اعتباربخشی به پژوهش و یافته‌های خود و ادای دین می‌باشند و اخلاق علمی در پژوهش همواره یادآوری آب‌سخورها و استناد به نوشته‌هایی را که مرجع تألیف آثار جدید علمی بوده‌اند مطمح نظر قرار داده است.

اغلب پژوهش‌ها و آثاری که منتشر می‌شوند از استقلال محتوایی کامل برخوردار نبوده، بلکه در شبکه علمی به‌عنوان اثری که ادامه نتایج پژوهش‌های پیشین بوده و خود نیز نقطه آغازی برای پژوهش‌ورزی و توسعه معرفت و اندیشه علمی در آن حوزه است، تلقی می‌شوند. بنابراین همان‌طور که قانون حق مؤلف حکم می‌کند، اخلاقیات نیز ایجاب می‌کند که پژوهشگران، منابعی را که در

1. Miziara

پی‌ریزی، توسعه و تکوین اثرشان مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند، به‌نحو مقتضی معرفی و مستند نمایند. (دانشگاه شیکاگو، ۱۹۹۳؛ به‌نقل از حری و شاه‌بداغی، ۱۳۸۳: ۶۶)

استناد را اشاره به سخن یا سند پیشین می‌دانند و بهره‌گیری از آثار دیگران جهت تولید اثری جدید پیشینه‌ای به قدمت علم دارد و استناد به این آثار، هم عمر تألیف است. (حری و شاه‌بداغی، ۱۳۸۳: ۶۹) استناد جزء عمده و تعیین‌کننده یک اثر علمی است و بدون حضور استناد نمی‌توان به یک نوشته، اطلاق اثر علمی کرد زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور مستقل و بی‌نیاز از دانش تولیدشده پیشینیان، مبادرت به تولید دانش جدید کند. (حری، ۱۳۹۰: ۳۳)

مطالعه رفتار استنادی پژوهشگران، دلایل و انگیزه‌های متعددی از استناددهی را آشکار کرده است که در برخی موارد متناقض نیز بوده و پیامدهای بسیاری دارند که می‌توان آنها را از مصادیق بی‌اخلاقی در پژوهش و استناددهی و حتی به‌مثابه سرقت علمی نام برد.

از مصادیق بی‌اخلاقی می‌توان به سرقت علمی به‌صورت کپی و درج، سرقت علمی استعاره^۱، سرقت علمی ایده^۲ و سرقت علمی سبک^۳ اشاره کرد. در سرقت علمی کپی و درج، متخلف از عین جملات و عبارات دیگران بدون ذکر منبع و گذاشتن گیومه استفاده می‌کند. در سرقت علمی استعاره از تشبیه، کنایه و استعاره دیگران برای بیان واضح یک موضوع یا ایده بدون ذکر منبع اصلی استعاره، استفاده می‌شود. در سرقت علمی ایده، نویسنده ایده یا پیشنهاد خلاقانه دیگران را به نام خود مطرح می‌کند. در سرقت علمی سبک، به‌صورت جمله به جمله یا پاراگراف به پاراگراف از نوشته اصلی تبعیت می‌شود. ممکن است حتی نظم و توالی جملات دقیقاً مشابه نوشته اصلی نبوده و جملات با کلمات جدیدی بیان شوند ولی به هر حال ساختار و سبک استدلالی نویسنده بدون ذکر منبع به‌کار گرفته می‌شود و مطلب و رئوس کلی همان است. (بارن‌باوم^۴، ۲۰۰۲ و بطحائی، ۱۳۹۰: ۱۱)

از دیگر موارد بی‌اخلاقی استنادی می‌توان به تألیف پنهان^۵ و تألیف اعطایی^۶، تحریف^۷،

1. Metaphor Plagiarism
2. Idea Plagiarism
3. Style Plagiarism
4. Barnbaum
5. Ghost Authorship
6. Gift Authorship
7. Falsification

جعل^۱ (اکبری و عبدالهی فر، ۱۳۹۲) و تغییر کلمات^۲ اشاره کرد. در تغییر و گزینش کلمات، متخلف بخشی از اثر دیگران را با اندکی تغییر ولی بدون استناد در اثر خود می‌آورد (فعلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴)، در مواردی نیز استناد صورت می‌گیرد ولی غیر دقیق و ناکافی است، به گونه‌ای که مشخص نشده است سهم پژوهشگر چیست و به طور دقیق کدام بخش متن از خود وی و کدام قسمت‌ها از دیگران است. (اسلامی، ۱۳۹۰: ۲۶) بخش قابل توجهی از بی‌اخلاقی‌های استنادی نیز با عدم استناد و پنهان کردن منبع رخ می‌دهد از جمله استفاده از منابع برخط و رایگان اینترنت بدون استناد، ترجمه مقاله به زبان انگلیسی بدون اذعان به وجود نسخه منتشر شده در زبان بومی، سرهم‌بندی مطالب از منابع مختلف بدون استناد، استفاده از عبارت کامل و جایگزینی با واژگان مترادف (هاریس^۳، ۲۰۰۱: ۱۴۴)، بسط و تفسیر مطلب و یا خلاصه کردن عبارت بدون استناد. (اوریم^۴، ۲۰۱۷: ۲۱۹)

مصادیق بی‌اخلاقی استنادی بسیار متنوع بوده و با اهمیت یافتن پژوهش و تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی، شغلی و جایگاه اجتماعی افراد و افزایش انتشار بروندادهای علمی، بی‌اخلاقی در پژوهش و عدم رعایت اخلاق استنادی نیز گسترده‌تر شده است. بهمن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳: ۱۴۷) پژوهشی را به منظور بررسی میزان رعایت اصول اخلاقی در پایان‌نامه‌های دکتری رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه فردوسی مشهد انجام دادند و نتایج پژوهش آنها مشخص ساخت که استناددهی و ارجاع از جمله مسائلی بودند که توسط پژوهشگران رعایت نشده و تقریباً نیمی از پایان‌نامه‌های دکتری علوم انسانی در ایران آگاهانه یا ناآگاهانه در استناددهی دچار سرقت علمی شده‌اند. همین‌طور نتایج پژوهش بیلک‌زولی^۵ و همکاران (۲۰۰۵: ۱۲۹) نشان داد ۹۰٪ از دانشجویان رشته‌های پزشکی نوعی از سرقت علمی را در مقاله‌های خود مرتکب شده‌اند. در پژوهش دیگری که توسط ادیب و دیگران (۱۳۹۴: ۱۴۹) با هدف مطالعه پدیدارشناسانه تجربیات اساتید و دانشجویان دانشگاه تبریز از توجه به اخلاق پژوهش انجام شد، اساتید و دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش مواردی همچون عدم رعایت استناددهی صحیح در محتویات علمی و ادبی پژوهش‌ها، استفاده از ایده‌ها و جملات دیگران بدون ذکر منبع و کپی و

1. Fabrication
2. Word Switch
3. Harris
4. Orim
5. Bilic Zulle

درج‌های صورت‌گرفته از سوی پژوهشگران دانشگاهی به‌ویژه دانشجویان را از تخلفات رایج در پژوهش‌های آکادمیک عنوان کردند.

عوامل بسترساز در ترغیب و یا اجبار پژوهشگران برای روی آوردن به بی‌اخلاقی در پژوهش، موضوع دیگری است که در پژوهش‌های متعددی بدان اشاره است. زمانی و دیگران (۱۳۹۲: ۹) در پژوهش پیمایشی خود که در میان ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه اصفهان با استفاده از پرسشنامه انجام گرفت، به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی و بی‌اخلاقی استنادی پرداختند. آنها ۱۱ عامل مؤثر بر سرقت علمی را شناسایی کردند و نتایج تحلیل عاملی نیز نشان داد که مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره، نبود احساس خودکارآمدی در انجام پژوهش و نگارش اثر پژوهشی و عوامل نگرشی، به ترتیب سه عامل مهم سرقت علمی و رعایت نکردن اخلاق استنادی می‌باشند. پارک^۱ (۲۰۰۳: ۴۷۱) پژوهشی را به‌منظور بررسی وضعیت سرقت علمی در بروندا‌های علمی دانشجویان منطقه آمریکای شمالی انجام داد. نتایج پژوهش وی مشخص ساخت که ضعف دانش و مهارت دانشجویان درباره نحوه استناددهی یکی از علل سرقت علمی بوده است. نتایج پژوهش فعلی و دیگران (۱۳۹۱: ۱۴۶) نیز نشان داد مهم‌ترین علت سرقت علمی ناآگاهی در خصوص مفهوم سرقت علمی و مصادیق آن است. پژوهش اوریم^۲ (۲۰۱۷): ۲۱۶ نیز نشان داد اغلب دانشجویان درک درستی از مفهوم سرقت علمی و عواقب بلند مدت آن نداشتند.

ارت و گوکمن اوغلو^۳ (۲۰۱۰: ۳۳۰۳) در پژوهشی که در دانشگاه تکنیکال خاورمیانه^۴ انجام دادند از دانشجویان در مورد علل سرقت علمی و بی‌اخلاقی استنادی سؤال کردند. نتایج آنها نشان داد عواملی همچون محدودیت زمانی، نبود آگاهی و شناخت نسبت به سرقت علمی، مقررات سنگین دوره‌های تحصیلی، دشواری دسترسی به اسناد و مدارک علمی، فقدان ایده و مشکلات استفاده از زبان خارجی مهم‌ترین عوامل ترغیب‌کننده دانشجویان در رعایت نکردن اخلاق استنادی هستند. مارتین^۵ (۲۰۱۳: ۱۰۱۲) نیز مهم‌ترین علت بی‌اخلاقی علمی را کاهش استانداردهای پژوهش و درگیر شدن بیش از پیش پژوهشگران دانشگاهی در بازی افزایش امتیاز علمی می‌داند.

1. Park
2. Orim
3. Eret & Gokmenoglu
4. Middle East Technical University (Metu)
5. Martin

مرور نتایج پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که بی‌اخلاقی در پژوهش گسترده شده است و این پدیده مختص پژوهش‌های داخلی و یا پژوهشگران ایرانی نبوده بلکه در اغلب کشورها و رشته‌های مختلف علمی امکان بروز دارد. ولی مصادیق بی‌اخلاقی، میزان شیوع، دلایل و انگیزه‌های آن متفاوت است. نتایج پژوهش بهمن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) و ادیب و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد حوزه استناد یکی از مواردی است که در آن بی‌اخلاقی علمی روی می‌دهد و می‌توان چنین بیان کرد که در اکثر این پژوهش‌ها به سرقت علمی به‌عنوان بارزترین مفهوم بی‌اخلاقی استنادی اشاره شده است. در پژوهش‌های فعلی و دیگران (۱۳۹۱)، پارک (۲۰۰۳)، اِرت و گوکمن اوغلو (۲۰۱۰) و اوریم (۲۰۱۷) به ناآگاهی و مهارت اندک پژوهشگران و در پژوهش‌های زمانی و دیگران (۱۳۹۲) و اِرت و گوکمن اوغلو (۲۰۱۰) به مقررات ناکارآمد و مدرک‌گرایی به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز بی‌اخلاقی استنادی اشاره شده است.

اغلب پژوهش‌های صورت گرفته، مقوله سرقت علمی را به‌عنوان بارزترین نمونه تخلف در پژوهش مورد بررسی قرار داده و میزان رعایت و یا رواج آن را در نوشتارهای علمی کنکاش کرده و کمتر وارد مصادیق سرقت علمی و عوامل زمینه‌ساز آن شده‌اند و مرور پیشینه‌ها و جستجوی منابع مختلف اطلاعاتی در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی به‌طور خاص به بحث اخلاق استنادی نپرداخته است. از این‌روی پژوهش حاضر بر آن است از منظری نو به این موضوع نگریسته و آن را با رویکردی پدیدارشناسانه مورد مذاقه قرار داده و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. دانشجویان با چه مسائل اخلاقی و مصادیقی از بی‌اخلاقی در حوزه رفتار استنادی مواجه بوده‌اند؟
۲. رویکرد پژوهشگران در مواجهه با چالش‌های اخلاق استنادی چگونه بوده است؟
۳. چه عواملی زمینه‌ساز بی‌اخلاقی در رفتار استنادی بوده است؟
۴. راهکارهای کاهش بی‌اخلاقی و بهبود اخلاق استنادی از نظر پژوهشگران چیست؟

روش پژوهش

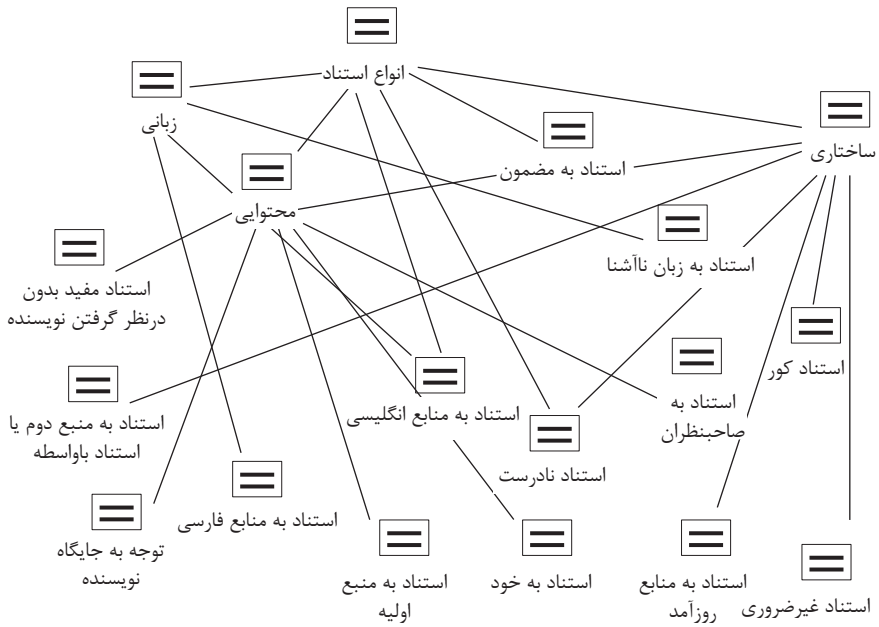
به‌منظور آگاهی از تجارب زیسته دانشجویان و گردآوری اطلاعات دقیق و ژرف‌نگر در مسائل اخلاق استنادی و با توجه به ماهیت مسئله، از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Maxqda صورت گرفته

است. علت استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی با توجه به هدف پژوهش و به‌منظور توصیف و فهم عمیق از جامعه پژوهش و آشکارسازی مفاهیم نهفته در پدیده رفتار استنادی بود. جامعه پژوهش را دانشجویان دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تشکیل می‌دادند. انتخاب دانشجویان دکتری بدین علت بود که می‌توانستند نمونه در دسترس و غنی برای گردآوری اطلاعات باشند، زیرا اغلب دانشجویان در مقطع دکتری به‌صورت جدی وارد عرصه پژوهش شده و با چالش‌های اخلاقی و استنادی در پژوهش و نگارش علمی مواجه می‌شوند. در حالی که بررسی‌های اولیه و مصاحبه مقدماتی با پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دارای تجارب و مهارت کافی در پژوهش نشان داد که با چالش‌های اندکی مواجه بوده و یا از ابراز آن خودداری نمودند. از این‌رو دانشجویان دکتری در مقایسه با دانشجویان مقاطع پایین‌تر و یا اعضای هیئت علمی نمونه مناسب‌تری برای هدف پژوهش بودند. دانشجویان با ویژگی‌های متفاوت از نظر جنسیت، سن، تجربه پژوهشی و رشته تحصیلی انتخاب شدند که بیشترین تنوع را جهت گردآوری داده‌ها و به‌دست آوردن تجربیات مختلف در حوزه اخلاق استنادی داشتند. با تدوین پروتکل مصاحبه، سؤال‌های اولیه مصاحبه با توجه به هدف و پرسش‌های اصلی پژوهش، مطالعه متون مرتبط و همفکری پژوهشگران تهیه شد، سپس با دو تن از دانشجویان مصاحبه مقدماتی انجام شده و سؤالات اولیه بازنگری شد. مصاحبه به روش نیمه ساختاریافته و به‌صورت حضوری و انفرادی ضبط شد. قبل از شروع مصاحبه توضیحات کافی درباره اهداف و فایده‌های بالقوه پژوهش ارائه و تعهدات اخلاقی به شرکت‌کنندگان در مصاحبه داده شد و مصاحبه‌شوندگان با رضایت کامل و آگاهی از ضبط مصاحبه، اطمینان از حفظ و محرمانگی اطلاعات و شرط بی‌نام ماندن، در مصاحبه شرکت نمودند.

مصاحبه با شرکت‌کنندگان تا مرحله رسیدن به دیدگاهی جامع درباره موضوع و استخراج مقوله‌های اصلی ادامه یافت. معیار توقف مصاحبه‌ها رسیدن به نقطه اشباع داده‌ها بود و پس از مصاحبه با ۱۷ نفر، پژوهشگران به نتیجه رسیدند که ادامه مصاحبه با تعداد بیشتری از نمونه‌ها، اطلاعات جدیدی در اختیار نمی‌گذارد و تکرار اطلاعات استخراج‌شده از مصاحبه‌های قبلی است. ولی جهت اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا ۱۹ نفر ادامه یافت. مدت هر مصاحبه با توجه به میزان تجربه پژوهشی دانشجویان، از ۱۵ الی ۴۵ دقیقه متغیر بود.

در اولین فرصت پس از هر مصاحبه، متن مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده می‌شد و پس از چندین بار بازخوانی دقیق توسط پژوهشگران، به صورت نظام کدگذاری سیستماتیک به منظور کشف مقوله‌های اولیه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفتند. پس از پیاده‌سازی هر مصاحبه و کشف مفاهیم جدید، سؤالات مصاحبه بازنگری شده و از مصاحبه‌شونده بعدی پرسیده می‌شد. در پایان نیز متن مصاحبه‌ها چندین بار مرور می‌شد و مفاهیم موجود در متن به صورت کدگذاری باز^۱ نامگذاری شده و واحدهای معنایی بر اساس مقایسه تفاوت و شباهت مفاهیم در طبقه‌هایی دسته‌بندی می‌شدند. طبقه‌های اولیه چندین بار توسط پژوهشگران مورد بحث قرار گرفته و بازنگری شدند. فرایند تحلیل داده‌ها به صورت استقرایی و با روش مورد استفاده در نظریه زمینه‌ای انجام شده و هیچ‌گونه چهارچوب مفهومی قبل از پیاده‌سازی، کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها وجود نداشت. مقوله‌ها و مفاهیم برخاسته از داده‌ها بوده و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری^۲ و گزینشی^۳ دسته‌بندی و تحلیل شدند. جهت افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد به نتایج و مقبولیت داده‌ها، از چهار معیار اعتبار^۴، انتقال‌پذیری^۵، اطمینان‌پذیری^۶ و تأییدپذیری^۷ بهره گرفته شد. تحلیل داده‌ها به صورت همزمان و توأم با مشاهده مداوم بود. متن پیاده‌شده مصاحبه‌ها، توصیف‌ها و مؤلفه‌های استخراج شده نیز به مشارکت‌کنندگان ارائه و توسط آنها مورد تأیید قرار گرفت. به منظور افزایش اطمینان از اعتبار کدگذاری‌ها، مقوله‌های استخراج شده توسط یک پژوهشگر، توسط چهار پژوهشگر همکار مورد بازبینی قرار گرفتند و به منظور رسیدن به دیدگاه مشترک، طبقه‌های اولیه چندین بار مورد بحث قرار گرفته و بازنگری شدند. تحلیل‌ها و یافته‌های پژوهش توسط چهار نفر از متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش مورد تأیید قرار گرفته و تمامی مراحل با ذکر جزئیات و با دقت ثبت شده و مستندات شنیداری و یادداشت‌برداری همزمان در حین مصاحبه‌ها تهیه و ثبت شد. مقبولیت مضامین و مفاهیم نیز با روش همسوسازی و گردآوری داده‌های کافی از منابع غنی همانند متخصصان، بررسی مستندات و پیشینه‌های نظری و کنترل افراد مشارکت‌کننده در پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. در شکل ۱، نمونه‌ای از فرایند کدگذاری، مفهوم‌سازی و مرتبط کردن مقوله‌ها در نرم‌افزار Maxqda ارائه شده است.

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding
4. Credibility
5. Transferability
6. Consistency or Dependability
7. Confirmability



شکل ۱: نمونه‌ای از کدگذاری، ایجاد شبکه مفاهیم و شناسایی مقوله‌ها

یافته‌ها

جدول ۱ مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش

جنسیت		رشته تخصصی	مشخصه ردیف
مرد	زن		
۲	۳	علم اطلاعات و دانش‌شناسی	۱
۱	۲	روان‌شناسی کودکان استثنائی	۲
۱	۳	روان‌شناسی	۳
۱	۲	مشاوره	۴
۲	۲	علوم تربیتی	۵
۷	۱۲	۱۹	جمع کل

با توجه به تحلیل داده‌ها در مجموع، ۵ مقوله اصلی شناسایی شد که عبارت‌اند از: انواع استناد، گرایش استنادی، تأثیر همکاران، مهارت و آموزش و قوانین و سازوکارها.

مقاله ۱: انواع استناد

انواع استناد از نظر زبانی، ساختاری و محتوایی دسته‌بندی شده و در جدول ۲ همراه با مؤلفه‌ها و برخی شواهد استخراج شده از متن مصاحبه‌ها، آمده است. در مقاله فرعی زبانی، گرایش به آثار فارسی و یا گرایش به آثار انگلیسی در بین برخی از شرکت‌کنندگان مشاهده شد. در مقاله فرعی ساختاری، استناد نادرست، استناد غیرضروری، استناد کور و استناد به منبع اولیه بدون در نظر گرفتن منبع واسطه و در مقاله فرعی محتوا، خوداستنادی، گرایش به آثار روزآمدتر و گرایش به آثار افراد سرآمد موضوع تخصصی از جمله مواردی است که از تحلیل مصاحبه‌ها شناسایی شدند. استناد مبهم مورد دیگر از مقاله فرعی محتواست. در این شیوه، پژوهشگر به منبع مورد استفاده استناد می‌دهد ولی متن را به گونه‌ای نگارش کرده که مرز میان مطالب خود و ایده‌های منقول از دیگران مشخص نیست.

۷۰

جدول ۲: انواع استناد

مقاله	زیرمقاله‌ها	مؤلفه‌ها	شواهد
انواع استناد	زبانی	استناد به منابع فارسی	راحت‌تر هستم که از منابع فارسی زبان استفاده کنم.
		استناد به منابع انگلیسی	منابع انگلیسی به دلیل به روز بودن برایم ارجحیت دارد.
		استناد به زبان ناآشنا	اگر به زبان متنی آشنا نباشم به مطالعه چکیده انگلیسی آن اکتفا می‌کنم و یا اگر در مقالات فارسی و انگلیسی استناد شده باشند من هم اعتماد کرده و استناد می‌کنم.
	ساختاری	استناد نادرست	در منابع انگلیسی پیش اومده و ننونستم درست ترجمه کنم ولی استناد کردم و فکر می‌کنم جمله را به درستی ترجمه نکردم.
		استناد کور	یکی دو بار پیش آمده که داور به بخشی از مقاله‌ام گیر داده و استناد خواسته و من هم چون استناد پیدا نکردم مجبور شدم از خودم استنادی را اضافه کنم در حالی که صحت نداشت حتی شده برخی افراد به مقاله‌ای که وجود ندارد استناد می‌کنند.
		استناد غیرضروری	به خاطر اینکه تعداد رفرنس‌ها زیاد بشه استناد دادم.
		استناد به منبع اولیه	اگر منبع اولیه در دسترس باشد و پیدا کردم منبع اصلی را می‌بینم.
		استناد به منبع دوم یا استناد با واسطه	بعضی از دوستانم صرفاً از مقاله در دسترس استفاده می‌کنند و به منبع اولیه مراجعه نمی‌کنند.

مقوله	زیرمقوله‌ها	مؤلفه‌ها	شواهد
انواع استناد	محتوایی	خود استنادی افراطی	سعی می‌کنم در اکثر مقالاتم به کارهای پژوهشی قبلی خودم استناد بدهم.
		استناد به منابع روزآمد	مطلبی که می‌خوانم استناد کنم جستجو کرده و سعی می‌کنم در مقاله‌ای باشد که به‌روز باشد.
		استناد به صاحب‌نظران	اگر کسانی باشن که من می‌شناسم، از شون درس گرفتم و یا می‌دونم که در این زمینه صاحب‌نظرن همیشه بهشون استناد کردم.
		استناد به مضمون، استناد مبهم	بعضی موقع‌ها برداشت کلی از مقاله یک نفر می‌کنم، ولی استناد نمی‌کنم و داور هم متوجه نمی‌شود و بعضی موقع‌ها داور هشدار میده که باید رفرنس بدی. درسته هیچ جمله‌ای را مستقیماً به مقاله خودم منتقل نکردم ولی حاصل کار طرف را آورده‌ام
		استناد مفید بدون در نظر گرفتن نویسنده	برای من اثر مهم بود و اینکه واقعاً مفید باشه و حتی به مقاله هم‌کلاسی‌ام استناد کردم با اینکه ازش خوشم نمی‌اومد، اما مقاله‌اش واقعاً خوب بود.
		توجه به جایگاه نویسنده	نویسندگان مقاله و جایگاه علمی‌شان مهم است و اینکه در آن زمینه واقعاً اگر متخصص باشند استناد می‌کنم. به نویسندگان برخی کشورهای ضعیف و نویسندگان ایرانی حتی اگر مقاله انگلیسی زبان باشد کمتر استناد می‌کنم.

مقوله اصلی ۲: گرایش استنادی

در این مقوله، مؤلفه‌هایی نظیر توجه به تعداد و دسترس‌پذیری منابع، گرایش به آثار افراد دخیل در پذیرش و چاپ مقاله از قبیل سردبیر، هیئت تحریریه و داوران، گرایش به آثار افراد صاحب نام و پرنفوذ علمی و گرایش منفی نسبت به آثار رقیبان و یا پژوهشگران مبتدی و دارای رتبه علمی پایین‌تر، گرایش منفی به برخی مجلات، نویسندگان و کشورها از جمله مقوله‌های استخراج‌شده است. از نظر برخی پژوهشگران، به‌ویژه پژوهشگران مبتدی ذکر تعداد زیاد منابع نشان‌دهنده گستردگی مطالعات پیشین پژوهشگر و اعتبار کار او محسوب شده و بدین‌معناست که پژوهشگر اغلب منابع مرتبط را مطالعه نموده است و این پیش‌فرض موجب استناد به برخی منابع می‌شود، در حالی که آن منابع چندان در روند تکمیل پژوهش مؤثر نبوده‌اند. تعدادی از پژوهشگران حتی برخی منابع را بدون مراجعه مستقیم به منبع و صرفاً با بهره‌گیری از مآخذ منبع در دسترس، مورد استناد مستقیم قرار داده‌اند. جدول ۳ مؤلفه‌های مربوط به گرایش استنادی را همراه با برخی شواهد نشان می‌دهد.

جدول ۳: گرایش‌های استنادی

مقوله	مؤلفه‌ها	شواهد
گرایش استنادی	ذکر استناد بیشتر برای تأیید ادعا، تورم استنادی	بعضی موقع‌ها بوده که خواستم جمله‌ام را قوی جلوه بدهم؛ تعداد استناد را بیشتر می‌کردم واقعیت هم همین بوده ولی شاید ریشه‌اش به دو نفر یا یک نفر برگردد
	دسترسی‌پذیری منبع	گاهی شده که به علت نبود یک منبعی نمی‌توانم از مطالب آن استفاده کنم ولی می‌دانم مقاله یا کتابی مشابه قبلاً کار شده است ولی من چون به متن اصلی آن دسترسی نداشتم استفاده نکردم.
	توجه به کیفیت منبع	سعی می‌کنم برای چاپ مقاله‌ام به منابع معتبری استناد بدهم و از آنها مطالب بگیرم، چرا که این قضیه روی فرایند پذیرش و چاپ مقاله تأثیر گذار است...
	اعتباربخشی	یکی از چیزهایی که مؤثر است می‌خواهم نشان دهم که کار من اعتبار علمی دارد، پس به منابع گذشته استناد میدم.
	پشتوانه محکم مبانی نظری	خیلی از منابع را خواندم. مثلاً ۴۰-۳۰ تا، ناخودآگاه نمی‌توانم آنها را نادیده بگیرم. چون زحمت کشیده‌ام و خوندم. بنابراین می‌خواهم در مطلبم بیارمشون، تا بگویم منابع نظری قوی است.
	استناد به ترجمه	در مورد ترجمه‌ها مفهوم را بیاوریم استناد بدهیم یا مستقیم ترجمه کنیم بستگی به میزان آشنائی با آن زبان دارد.
	توجه به مرتبه علمی نویسنده	الف. مثلاً در حوزه‌ای که یک فرد شناخته شده وجود دارد و حرفی برای گفتن دارد وقتی استناد می‌دهید به مطلب ایشان، داور و کسی که که آن را می‌خواند می‌گوید این استناد خوبی است و می‌توان به آن اتکا کرد. ب. با وجود اینکه مقاله ایشان خوب کار شده اما به پایان‌نامه و مقاله او استناد نشده است زیرا ایشان دانشجوی کارشناسی ارشد بوده و رتبه علمی پایینی دارد.
	گرایش منفی به پیشنهاد‌های استنادی سردبیر	در مورد پیشنهاد استناد دادن از طرف سردبیر یک مجله به‌خصوص تا آنجا که می‌توانم می‌خواهم این کار اشتباه انجام نشود و استناد نمی‌دهم. با سردبیر می‌خواهم لج‌بازی کنم.
	گرایش به تعداد بیشتر استناد	من اولین بار که مقاله نوشتم استنادم به تعداد رفرنس‌ها گیر داد انگار تعداد برایش مهم بود.
	گرایش به رعایت اخلاق استنادی	همان‌طور که دوست دارم دیگران به مواردی که خودم و یا دوستانم نوشته‌اند، استناد دهند سعی می‌کنم خودم هم رعایت کنم.
عدم استناد به منابع قدیمی	اگر با منابع قدیمی برخورد کنم، اصلاً مطلب را استفاده نمی‌کنم و می‌روم مطلبی را پیدا می‌کنم که در همان راستا ولی در مقاله‌ای باشد که به‌روز باشد.	

مقوله	مؤلفه‌ها	شواهد
گرایش استنادی	سرقت ایده	من از مقاله‌ای بدون استناد استفاده کرده‌ام، تا بگویم این ایده و تراوش ذهنی خودم است.
	عدم استناد به منبع واسطه، حذف زنجیره‌های استنادی	به منبعی که اصلی است و در منبع دوم آمده استناد می‌دهم.
	عدم استناد به دلیل حس رقابت	مواردی برایم بوده که احساس کردم فرد رقیبم هست در آن موضوع و استناد نکردم با اینکه واقعاً مفید بود
	گرایش سیاسی	معمولاً به نویسندگان و مقالات مربوط به رژیم صهیونیستی استناد نمی‌کنم.

۷۳

مقوله اصلی ۳: تأثیر همکاران

اغلب شرکت‌کنندگان در پژوهش به تأثیرپذیری از پیشنهاد‌های همکاران پژوهشی و گرایش شخصی به آثار آشنایان و هم‌تایان اشاره داشته‌اند. در این مقوله عواملی از جمله انگیزه‌ها و ارتباطات دوستانه با افراد، فشار همکاران دارای رتبه و جایگاه علمی بالاتر نظیر اساتید در مقابل دانشجویان و رقابت منفی با افراد علمی نیز در استناد شناسایی شد. مؤلفه‌ها و برخی شواهد در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: تأثیر همکاران

مقوله	مؤلفه‌ها	شواهد
تأثیر همکاران	استناد غیرضروری به همکار پژوهشی	مقاله دوستم بود و من احساس کردم مقاله‌اش داره فراموش میشه گفتیم حالا این هم بذاریم در رفرنس‌هامون بالأخره در سرچ تأثیر داره استنادش میره بالا.
	استناد غیرضروری به دلیل دریافت پذیرش	در مورد نشریات برخورد کردم که می‌گن به آثاری که استناد می‌کنی باید حتماً یکی دو موردش از نشریه ما باشه که برای دریافت پذیرش مقاله‌ام بهشون استناد کردم.
	استناد به آثار همکاران (استاد راهنما)	من بعد از ارسال مقاله به استاد راهنمایم، ایشان پس از انجام اصلاحات دو سه تا از مقالات خودشان را هم فرستادن و گفته بودن به اینها هم استناد بکنید.
	استناد به منظور ارتقاء جایگاه علمی همکاران	... ولی شده که عمداً به کسی استناد دهم چون دوست داشتم اگر به کسی استناد می‌دهم دوستم باشد که جایگاه علمیش بالا می‌رود.

مقاله	مؤلفه‌ها	شواهد
تجربیات همکاران	گرایش استنادی به همکاران گرایش استنادی به دوستان	پیش آمده که در جریان پژوهش به آثار اعضای گروه پژوهشی بیشتر استناد دهیم. در موضوعی که دو نفر یکسان هستند ترجیح می‌دهم به دوستم که برایم مهم‌تر است استناد دهم.
	تبادل استناد، همکاری استنادی	فردی به مقاله من استناد کرده بود، من هم خواستم یک جورایی جبران کنم و بهش استناد دادم.
	ارتباط علمی	پیش آمده که تنها انگیزه‌ام از استناد، داشتن رابطه پژوهشی و کاری با شخصی بوده و همین رابطه باعث شد از کارش استفاده کنم و بهش استناد بدم.
	فشار همکار پژوهشی در نادیده گرفتن	یک مورد نظر استاد راهنمایم بود که گفت به این منبع استناد نکن. دلیلش هم هیچ‌وقت نفهمیدم. من بیشتر دنبال هر چه زودتر تکمیل کردن و دفاع پایان‌نامه‌ام بودم.
	فشار و تحمیل همکاران	استادم اسم فردی را به نویسندگان مقاله‌ام اضافه کرد و من اصلاً نمی‌شناختمش و هنوز هم نمی‌شناسم.

۷۴

مقاله اصلی ۴: آموزش و مهارت

عدم رعایت اخلاق علمی به‌علت آشنا نبودن با شیوه‌های استناد و سرقت علمی ناآگاهانه به‌دلیل مهارت نداشتن در استناددهی، مقوله‌هایی است که اغلب پژوهشگران به‌ویژه پژوهشگران کم‌تجربه بدان اشاره داشتند. تحلیل داده‌ها نشان داد بسیاری از بی‌اخلاقی‌ها در رفتار استنادی ناشی از فقدان آموزش و مهارت ناکافی پژوهشگران است. عدم تسلط به موضوع پژوهش، تسلط ناکافی بر زبان منابع مورد استناد، ترجمه ناقص و مهارت اندک در نگارش علمی از جمله موارد قابل طرح بوده که در جدول ۵ مؤلفه‌ها و شواهد مربوط بدان ارائه شده است.

جدول ۵: آموزش و مهارت

مقاله	مؤلفه‌ها	شواهد
مهارت زبان و آموزش زبان	تسلط بر زبان دوم	در مورد ترجمه‌ها مفهوم را بیاوریم استناد بدهیم یا مستقیم ترجمه کنیم بستگی به میزان آشنایی با آن زبان دارد.
	گرایش استنادی به منابع فارسی زبان	ترجمه برایم مشکل است ترجیح می‌دهم از منبع فارسی استفاده کنم.

مقوله	مؤلفه‌ها	شواهد
مهارت و آموزش ^۳	چالش در استناد مستقیم و غیرمستقیم	در استناد مستقیم و غیرمستقیم بیشترین چالش را دارم. به خصوص در مورد ترجمه‌ها که مفهوم را بیابیم استناد بدهیم یا مستقیم ترجمه کنیم.
	چالش در استناد به ترجمه‌ها	در مورد ترجمه‌ها حقیقتاً بعضی از آنها اصلاً مفهوم را نمی‌رسانند و من می‌مانم که از آن استفاده کنم یا خیر؟
	ترس از سرقت علمی	مطلب مشابه را از منبع دیگری پیدا می‌کنم و حتماً استناد می‌دهم چون مسئولیت دارد و بعداً به سرقت علمی متهم نشوم.
	تأثیر آموزش بر رفتار استنادی	بعد از شرکت در ژورنال کلاب و صحبت‌های اخلاق علمی ناراحت شدم که چرا به آقای فلانی استناد ندادم، با اینکه می‌توانستم استناد دهم.
	انتظار رفتار منصفانه استنادی از جامعه علمی	همان‌طور که دوست دارم دیگران استناد به مواردی که خودم و یا دوستانم نوشتن انجام دهند سعی می‌کنم خودم هم رعایت کنم.
	عدم آشنایی با شیوه‌های معتبر ارجاع‌نویسی	مثلاً در مقاله کلمه‌ای را از جای دیگر بیآورم و در عنوان خود جای دهم دیگر به آن استناد نمی‌دهم چگونه می‌توان به آن استناد داد؟
	عدم استناد به منبع اولیه	بنا به گفته اساتیدی که به ما آموزش دادند، به منبع دوم استناد کردن از نظر علمی و اخلاقی موردی ندارد.
	استناد مبهم و ناکافی، استناد مخدوش	برخی موارد به‌خاطر نگرانی از سرقت علمی، ارجاع می‌دهم ولی پاراگراف را طوری می‌نویسم که انگار بیشتر مطلب مال خودم هست.
	عدم استناد به مضمون	بعضی موقع‌ها برداشت کلی از مقاله یک نفر می‌کنم ولی استناد نمی‌کنم و داور هم متوجه نمی‌شود و بعضی موقع‌ها داور هشدار میدهد که باید رفرنس بدی. درسته هیچ جمله‌ای را مستقیماً به مقاله خودم منتقل نکرده‌ام، ولی حاصل کار طرف را آورده‌ام.

مقوله اصلی ۵: قوانین و سازوکارها

تأثیر شرایط پذیرش مجلات، تأثیر مقررات دانشگاهی و تحصیلی از جمله مقررات دریافت مجوز دفاع و فارغ‌التحصیلی، قوانین کسب حمایت‌های مالی و معنوی و شرایط ارتقاء، در رفتار استنادی پژوهشگران مشهود است. بسیاری از این قوانین مدون و در دسترس بوده و پژوهشگر برای پذیرش مقاله ملزم به رعایت آنها می‌باشد، اما مسئله مهم که بسیاری از دانشجویان با آن مواجه بودند، وجود مجموعه‌ای از قوانین و سازوکارهای نانوشته اما مؤثر در فرایند چاپ اثر بود. از جمله انتظارات همکاران پژوهشی، نظرات اساتید درباره مقاله مستخرج از پایان‌نامه و یا انتظاراتی که افراد تصمیم‌گیر نشریات دارند و دانشجو ملزم به رعایت آن معیارها و برآوردن انتظارات است. جدول ۶ مؤلفه‌ها و شواهد مربوط به این مقوله را نشان می‌دهد.

جدول ۶: قوانین و سازوکارها

مقوله	مؤلفه‌ها	شواهد
قوانین و سازوکارها	استناد کاذب	برای دوستانتانم پیش آمده که مجبور شدن برای پذیرش فلان مجله یا همایش، استناد کاذب بدهند.
	استناد به افراد بانفوذ علمی	اگر آدمی باشد که در جایگاه علمی خود ارزشمند و مسلط است و سال‌ها تخصص در آن زمینه دارد و تجربه و سندیت بیشتر و بالاتر دارد قطعاً به او ارجاع می‌دهم.
	استناد به افراد نشریه، استناد اهدایی	قبل از ارسال مقاله به مجله دو تا استناد از سردبیر و مقالات همون مجله اضافه کردم و اتفاقاً فکر می‌کنم تأثیر هم داشت و ایراد جدی از نوع استناد به مقاله‌ام گرفته نشد.
	گرایش به تعداد بالای استناد به خاطر بالا بردن اعتبار مقاله	هر چه رفرنس‌ها بیشتر باشه بهتره اولاً موردی از قلم نمی‌افته و از فیلتر داوری راحت‌تر رد میشه، چون وقتی می‌بینن تعداد زیاده می‌گن خوب لایذ زیاد زحمت کشیدم. مخصوصاً هرچه انگلیسی بیشتر باشه انگار کلاس مقاله‌ام بالاتره و پرستیژ میده به نویسنده مقاله.
	گرایش استنادی به آثار منتشر شده در مجله، استناد اجباری، مهندسی استناد	در مواقعی مجلات بعد از پروسه داوری از من خواستن که به چندتا از مقاله‌های آن مجله استناد بدم. من هم این کارو کردم.
	نادیده گرفتن تعمدی منابع مشابه به‌منظور تسهیل در روند پذیرش	یک مورد هم مقاله‌ای بود که تقریباً هم‌زمان با پژوهش من بود، ولی زودتر از مقاله من چاپ شد و من احساس کردم اگر به اون استناد کنم اون‌وقت اصالت پژوهش کم می‌کنه از طرف داوران با مشکل مواجه بشه و نادیده گرفتیم.
	پیشنهاد استنادی از طرف داور یا داوران	در نظرات داور دو مورد مقاله بود که از مقالات همون نشریه بود و گفته شده بود که اینها را نادیده گرفته‌اید.
	تأثیر منفی فشار استنادی بر روند انتشار علمی	به پیشنهاد استنادی مجلات توجه نکردم و حاضر نشدم به مقالات‌شان استناد بدم و مقاله‌ام را رد کردند.
	رقابت منفی استنادی، تضاد منافع	در مواردی پیش آمده که در یک موضوع مشابه، فردی قبل از من مقاله چاپ کرده و من زیاد موافقش نبودم؛ برای اینکه استناداتش بالا نرود سعی کردم بهش استناد نکنم و حتی مقالاتی که برای داوری پیش من می‌آید می‌گویم این را حذف کنید. چون احساس می‌کنم اگر این مقاله پر استناد بشود بعداً همه بهش استناد می‌کنند در حالی که بعضی قسمت‌هایش اشکال داشته است دوماً نظرات خودم را که مدنظر داشتم بعداً چاپ کنم در این مقاله مطرح شده است.
	پذیرش راحت‌تر	به نشریه‌ای برخورد کردم که می‌گفت به آثاری که استناد می‌کنی باید حتماً یکی دو موردش از نشریه ما باشه. این بستگی به ما داره ببینیم مقالاتی که اونجا منتشر شده به درد ما می‌خوره یا نه؛ اگه به درد می‌خوره هیچ ایرادی نداره استناد دادم و مقاله رو برام چاپ کردن.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌ها نشان داد پژوهشگران استناد را به‌عنوان یکی از عناصر مهم برونداد پژوهشی خود قلمداد کرده و از اهمیت استناد در ارزیابی مقاله توسط مجلات و داوران آگاه هستند. بنابراین انتظارات مجلات و یا اساتید خود را در رفتار استنادی لحاظ می‌دارند و برخی پژوهشگران که به اخلاق پژوهشی پایبندی چندانی نداشته‌اند، برای تسهیل در فرایند انتشار و یا دریافت مجوز دفاع رساله و نمره نهایی به رفتارهای مصنوعی در استناددهی روی آورده‌اند. از جمله ترجیح بی‌دلیل منابع انگلیسی به منابع فارسی، استناد به منبع دست اول و نادیده گرفتن تعدی منبع استفاده شده ولی دست دوم، استناد صوری برای افزایش تعداد منابع، استناد غیر حقیقی به آثار اساتید، استناد نمایشی به آثار عوامل تعیین‌کننده نشریات از قبیل سردبیر و داوران. این بی‌اخلاقی‌ها موجب شده رفتار استنادی پژوهشگران نشان دهنده تأثیرپذیری حقیقی پژوهشگر از آثار پیشین نبوده و امکان ردیابی اندیشه‌ها و نمایش جریان سیر اندیشه‌ها صرفاً با تکیه بر استناد امکان‌پذیر نباشد.

گرایش استنادی پژوهشگران برای استناد به آثار معتبر و آثار پژوهشگران برجسته بیشتر است و این مورد به‌ویژه با تجربه پژوهشی دانشجویان ارتباط دارد. پژوهشگران با تجربه از فرایندهای ارزیابی و داوری آثار، آشنایی بهتری کسب نموده و از هنجارهای درون رشته خود و همین‌طور جایگاه افراد و آثار برجسته و نیز از مقررات و شرایط پذیرش مقالات در نشریات اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند، لذا در امر استنادی نیز رفتار هدفمندتری را بروز می‌دهند در حالی که پژوهشگران کم‌تجربه و تازه‌کار با این فرایندها چندان آشنا نبوده و پیچیدگی کمتری را در رفتار استناددهی بروز می‌دهند و البته به کیفیت منابع مورد استناد نیز چندان توجهی نمی‌کنند.

تأثیر اطرافیان پژوهشگر در رفتار استنادی توسط اغلب پژوهشگران گزارش شده است و البته تأثیرپذیری‌ها با اهداف متفاوت صورت می‌گیرد. اهدافی از جمله ادای دین به استاد، دوست و همکار، تبادل استنادی، استناد برای جلب نظر، استناد به دلیل احساس فشار و از روی اجبار در رفتار استنادی پژوهشگران مشهود است. بخشی از تأثیر همکاران می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد از جمله استفاده پژوهشگر از مشاوره و راهنمایی هم‌تایان و بهره‌گیری از آثار آنان و در نهایت استناد منصفانه و همین‌طور استناد واقعی به دلیل قرابت علایق و حوزه پژوهشی. بنابراین پیشنهاد استناد از طرف سردبیر نشریه، داور و یا

اساتید صرفاً نمی‌توانند سوء رفتار پژوهشی تلقی شده و از طرف دانشجو و یا پژوهشگر به فشار و تحمیل استنادی تعبیر شود، بلکه بسیاری از این پیشنهادها در راستای ارتقای کیفیت پژوهش بوده و نتایج مثبتی نیز به همراه داشته است.

مهارت ناکافی و عدم دریافت آموزش صحیح در استناددهی از جمله موارد مطرح شده در مصاحبه با شرکت‌کنندگان بود. بخش قابل توجهی از بی‌اخلاقی‌ها می‌تواند ناشی از فقدان مهارت و آموزش باشد. دانشجویان تجربه‌ای از شرکت در دوره‌های آموزشی در این خصوص گزارش نکردند و بررسی پژوهشگران نیز نشان داد دوره رسمی در دوره‌های کارشناسی و بالاتر برای آموزش ارجاع‌نویسی و رعایت اخلاق پژوهش و نگارش ارائه نشده است، ولی برخی دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی متفرقه شرکت کرده بودند. ارائه دوره‌های آموزشی می‌تواند تأثیر مستقیمی با رفتار استنادی پژوهشگران داشته باشد و برخی از چالش‌های اخلاقی در این حوزه را برطرف نماید.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد دانشجویان آشنایی با مهارت‌های استنادی را راهکاری مفید برای برون رفت از چالش‌های اخلاقی و جلوگیری از سرقت علمی تلقی کرده‌اند. نتایج پژوهش اسمیت^۱ و همکاران (۲۰۰۷: ۱۲۲) نیز نشان داد یکی از دلایل سرقت علمی ناشی از فقدان آموزش و ضعف مهارت پژوهشی دانشجویان بوده و آموزش استنادی راهکاری مؤثر برای کاهش سرقت علمی است. آموزش و آشنایی با شیوه‌های استاندارد استناد و بهره‌گیری از متون در تولید اثر جدید، نه تنها موجب کاهش سرقت‌های ناخواسته شده، بلکه موجب ارتقای کیفیت پژوهش‌ها نیز می‌شود و از طرفی چنانچه پژوهشگران با قوانین و سازوکارهای انتشار مقالات نیز آشنا باشند تحت تأثیر رفتارها و فشارهای غیراخلاقی در تحمیل استناد نامرتب قرار نمی‌گیرند. البته آموزش و آگاهی پژوهشگران از اصول استنادی، پایبندی به رعایت اخلاق پژوهش و مسئولیت اخلاقی را از پژوهشگران سلب نمی‌کند. زیرا نتایج پژوهش نشان داد برخی از بی‌اخلاقی‌های استنادی نه تنها به دلیل عدم آموزش و مهارت، بلکه به دلیل آشنایی پژوهشگر، سردبیر و سایر افراد نشریات به اهمیت و نقش استناد در فرایند اعتبارسنجی مقاله، بروز می‌کند. افراد دخیل در نشریه به علت آگاهی از ارزش استناد در اعتباربخشی و رتبه‌بندی، با سوء استفاده از جایگاه خود، سعی در افزایش غیرواقعی استناد نموده و با جذب استناد مصنوعی و مهندسی کاذب استناد، به تورم استنادی دامن می‌زنند. مارتین (۲۰۱۳: ۱۰۰۹) بیان

1. Smith

می‌دارد پژوهشگران باید در مقابل اجبار استنادی سردبیر نشریات مقاومت نشان داده و پایبند به اصول اخلاقی پژوهش باشند. زیرا استناد اجباری موجب تورم غیرحقیقی عامل تأثیر^۱ نشریه می‌شود و نوعی بی‌اخلاقی علمی است. بنابراین پژوهشگران در صورت اصرار سردبیر و یا تهدید به رد مقاله، می‌توانند موضوع را به هیئت تحریریه و یا ناشر نشریه اطلاع دهند.

در پژوهشی که اِرت و گوکمن اوغلو (۲۰۱۰: ۳۳۰۶) درباره دیدگاه دانشگاهیان درباره سرقت علمی، انجام دادند، نتایج نشان داد ۶۶/۲ درصد افراد شرکت‌کننده در پژوهش معتقد بودند استفاده از عبارت کوتاهی از یک مقاله و ترکیب آن با کلمات و ایجاد جملات جدید سرقت علمی محسوب می‌شود. در عین حال پژوهشگران و نویسندگان مقالات علمی، با چالش‌هایی مواجه بودند. ۴۷/۳ درصد آنها معتقد بودند استفاده از جملات مشهور نیاز به استناد ندارد، زیرا این جملات و عبارات بخشی از دانش عمومی محسوب می‌شوند. این نکته نشان می‌دهد توافق روشن و مورد پذیرش جهانی و قابل اعمال در حوزه‌های مختلف علمی وجود نداشته و آشنایی اندک پژوهشگران به‌ویژه پژوهشگران تازه‌کار و دانشجویان با معیارهای رفتار استنادی نیز بر چالش‌ها می‌افزاید.

نکته دیگر نبود سازوکار مشخص و قوانین تصریح شده در حوزه اخلاق پژوهش و سرقت علمی است. هرچند نشریات و دانشگاه‌های مختلف آیین‌نامه‌هایی دارند، ولی این آیین‌نامه‌ها در بحث سرقت علمی صراحت لازم را نداشته و بسیاری از دانشجویان تصور روشنی از مصداق سرقت علمی و بی‌اخلاقی استنادی ندارند. از طرفی قوانین مدنی مشخصی برای جرم‌انگاری این پدیده وجود ندارد. البته تأثیر قوانین و آیین‌نامه‌های موجود پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی بر افزایش بی‌اخلاقی در امر پژوهش و افزایش آلودگی استنادی خود مقوله‌ای است که نشان می‌دهد این قوانین در مواردی نه تنها خاصیت بازدارندگی نداشته، بلکه از عوامل زمینه‌ساز افزایش بی‌اخلاقی‌ها هستند. زیرا افزایش فشار بر دانشجویان از جمله الزام انتشار مقاله برای دریافت نمره یا مجوز دفاع از رساله، در شرایطی که دانشجویان به‌ویژه دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از توانمندی، شایستگی و آموزش لازم برای ورود جدی به عرصه پژوهش و انتشار مقاله در مرزهای دانش برخوردار نیستند، منجر به روی آوردن برخی دانشجویان به رفتارهای

غیراخلاقی در امر پژوهش و نشر علمی شده است و تأثیر چندان مثبتی بر رشد علمی و ارتقای کیفیت پژوهش نداشته و تکثر سرطانی متون علمی و آلودگی اطلاعات علمی را دامن زده است.

رفتار استنادی پژوهشگران همواره متأثر از عوامل متعددی است و ممکن است برخی از این عوامل الزاماً علمی نبوده و رفتار مورد انتظار پژوهشی نباشد و وقتی این عوامل از دیدگاه اخلاقی مورد قضاوت قرار می‌گیرند، چالش‌های متعددی را موجب می‌شوند. برخی از چالش‌ها، به علت عدم آشنایی با مقوله استناد بروز نموده‌اند، از جمله چالش در نحوه استناد مستقیم یا غیرمستقیم، استناد به ترجمه یا اصل منبع. اما برخی دیگر از چالش‌های استنادی به صورت آگاهانه و به علت ملاحظات و منافع شخصی بروز نموده است، از جمله نادیده گرفتن تعددی برخی منابع به علت دریافت پذیرش و چاپ راحت‌تر، یا نگرانی از به خطر افتادن اصالت پژوهش، از آن خود کردن ایده و اندیشه‌های دیگران و رقابت منفی و تأثیر روابط غیر علمی بر رفتار استنادی. بنابراین رفتار استنادی پژوهشگران از منظر اخلاقی در دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول نگرانی پژوهشگران از عدم رعایت اخلاق استنادی و متهم شدن به بی‌اخلاقی استنادی است از جمله نگرانی از سرقت علمی و نگرانی از تضییع حقوق دیگر پژوهشگران و موارد مشابه که نشان از پایبندی پژوهشگران به رعایت اخلاق استنادی دارد و جنبه دیگر عدم رعایت آگاهانه اخلاق استنادی است از جمله نادیده گرفتن تعددی منابع واسطه در استناددهی در حالی که از این منابع استفاده شده است و عدم استناد به علت رقابت منفی با دیگر پژوهشگران و استناد غیرضروری به دلیل فشار همکاران.

تحلیل داده‌ها نشان داد پژوهشگران در طول حیات پژوهشی خود رفتار استنادی متفاوتی بروز می‌دهند. در مقالات سطح پایین، تعداد استناد زیاد برای پژوهشگران مبتدی مهم است و نشانه‌ای از مطالعه گسترده و تلاش زیاد نویسنده تلقی می‌شود. در حالی که پژوهشگران باتجربه نگاه متفاوتی به تعداد استناد دارند. تعداد زیاد استناد، خطری برای اصالت محتوایی پژوهش محسوب شده و حتی ممکن است نشان دهنده بی‌اعتباری محتوا و عدم اصالت مقاله باشد. پژوهشگران باتجربه تمایل دارند صرفاً برای برخی موضوعات و ادعاهای چالش‌زا، تعداد بیشتری استناد ذکر کرده و در واقع شواهد بیشتری را برای ادعای خود بیاورند یا پایه‌های اولیه پژوهش خود را مستحکم‌تر نشان دهند. به نظر می‌رسد هر چه پژوهشگران باتجربه‌تر می‌شوند شناخت آنها از متخصصان

حوزه خود بیشتر شده و استنادهای پژوهش‌شان را آگاهانه، گزینشی، هدفمند و با توجه بیشتری نسبت به جایگاه علمی افراد و کیفیت مقاله‌ها، انتخاب می‌کنند و صرف‌نظر از ارتباط موضوعی متون، به جنبه‌های دیگری از منبع قابل استناد توجه نموده و عواملی فراتر از تاریخ انتشار اثر، رتبه مجله، زبان، کشور و جایگاه علمی نویسنده و حتی رقابت علمی و یا ارتباطات و همکاری‌های علمی را در استناد مدنظر قرار می‌دهند. بنابراین شرایط فکری و تحصیلی پژوهشگر در زمان‌ها و دوره‌های مختلف تحصیلی بر رفتار استنادی او تأثیرگذار است.

از طرفی بخش دیگری از خطاهای استنادی، در استناد به منابعی است که خود دچار سرقت علمی شده‌اند و یا استناد به منابعی است که منبع استناد مشخصی ندارند از جمله استناد به منابع غیرمعتبر و داوری نشده و یا استناد به منابعی همچون سخنرانی‌ها، مطالب کارگاه‌ها و سمینارها و متون شفاهی که مشخص نیست منبع اولیه بوده و یا از جای دیگر نقل شده‌اند و با استناد اشتباه، وارد شبکه علمی می‌شوند و ممکن است در پژوهش دیگری نیز مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین اگر پژوهشی آگاهانه و یا غیر آگاهانه دچار سرقت علمی شده باشد و آن سرقت در فرایند پذیرش و داوری کشف نشده و منتشر شود سایر پژوهش‌ها نیز به آن اثر استناد می‌کنند و این استناد غلط در شبکه استنادی علم سرایت می‌کند و نکته قابل تأمل این است که میزان استناد اشتباه و یا سرقت استنادی در شبکه علمی قابل توجه بوده و نتایج پژوهش‌های متعددی از جمله بهمن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) و بیلک زولی و همکاران (۲۰۰۵) حاکی از تأیید این مدعاست. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز حاکی از گستردگی، شیوع بالا و تنوع موارد بی‌اخلاقی استنادی بود که بررسی پدیده رفتار استنادی را پیچیده‌تر می‌کند.

مصادیق سرقت علمی بسیار متنوع بوده و درجات مختلفی از سرقت علمی را شامل می‌شود و نکته قابل تأمل این است که توافق کلی بر این مصادیق وجود ندارد و بسیاری از پژوهشگران در حالی مرتکب سرقت علمی شده‌اند که عمل خود را اخلاقی توصیف می‌کنند. شنیدن یک ایده ارزشمند از سخنرانی یک پژوهشگر که نقطه شروع پژوهش دیگری می‌شود، چگونه می‌باید مورد استناد قرار گیرد؟ آیا استفاده از الگوی پژوهشی یک پژوهش غیرمرتبط نیاز به استناد دارد؟ رابطه بین اصالت پژوهش با استناد آشکار و پنهان در متن چگونه حاصل می‌شود؟ اساساً مرز میان خلق دانش و بازتولید آن، چگونه

و به چه میزان در رفتار استنادی انعکاس می‌یابد؟ تفاوت استناد علمی و استناد ادبی در پژوهش‌ها و نگارش‌های علمی و در مقوله اخلاق استنادی چگونه قابل اعمال است؟ و سؤال‌های دیگری که پژوهشگران را با ابهامات جدی مواجه ساخته است. چالش دیگر که اغلب پژوهشگران با آن مواجه‌اند، استناد به افراد و یا متونی است که در متن نهایی حضور ندارند اما در شکل‌گیری و یا هدایت روند پژوهش تأثیرگذار بوده‌اند. این موارد نشان می‌دهد مقوله اخلاق پژوهش و به‌ویژه اخلاق استنادی از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و توجه بدان می‌تواند در رفع بسیاری از بی‌اخلاقی‌ها و معضلات عرصه پژوهش، ارتقای کیفیت پژوهش و رشد علمی کشور تأثیرگذار باشد. در این راستا پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود.

- آموزش پژوهشگران و تدوین دوره‌های آموزشی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مقوله اخلاق پژوهش و رفتار استنادی.

- تدوین قوانین اخلاقی مطابق با نیازهای علمی و پژوهشی حال حاضر جامعه و رفع قوانینی که بی‌اخلاقی استنادی را دامن می‌زنند.

- تقویت ضمانت اجرایی قوانین بازدارنده و برخورد قانون‌مند با متخلفان علمی بدون توجه به جایگاه علمی و اجرایی فرد متخلف و پرهزینه نمودن تخلفات و بی‌اخلاقی‌های پژوهشی.

- توجه به مهارت و توانایی دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی در راستای تعدیل انتظارات فراتر از توانایی واقعی دانشجو.

- بازتدوین آیین‌نامه‌های تحصیلی مرتبط با پژوهش و عدم اجبار به انتشار برونداد پژوهشی و کاهش فشارهای تحمیلی بر دانشجویان و در مقابل تشویق و تقویت انگیزه دانشجویان مستعد و علاقمند به پژوهش.

- تدوین آیین‌نامه و شفاف‌سازی روابط کاری استاد - دانشجو، روابط سردبیر - پژوهشگر، داور - پژوهشگر و وظایف، اختیارات و حقوق متقابل هر یک.

محدودیت‌های پژوهش

- نبود دسترسی آسان به همه دانشجویان دکتری با توجه به عدم حضور تمام‌وقت همه دانشجویان در دانشگاه.

- دشواری جلب اعتماد دانشجویان برای ارائه صادقانه همه تجربیات خود از مسائل

اخلاقی در پژوهش.

- برداشت متفاوت و گاهی متناقض پژوهشگران از اخلاق استنادی و نبود توافق مشخص بر مصادیق و معیارهای اخلاقی.

قدردانی

از خانم معصومه کیانی و آقای علی دلایی میلان برای نظرات سازنده، یاری در مصاحبه و کدگذاری داده‌ها سپاسگزاریم.

منابع

۱. ادیب، یوسف؛ اسکندر فتحی آذر؛ سمیه مولافلقاچی، . (۱۳۹۴). مطالعه تجربیات اساتید و دانشجویان دانشگاه تبریز از توجه به اخلاق پژوهش؛ مطالعه‌ای پدیدارشناسانه. **راهبرد فرهنگ**. شماره ۲۹.
۲. اسلامی، سیدحسن. (۱۳۹۰). درآمدی بر فلسفه اخلاق پژوهش و مسائل آن. در: نرگس خالقی. **اخلاق پژوهش و نگارش**. تهران: کتابدار.
۳. اکبری، پریا و مظفر عبدالهی فر. (۱۳۹۱). سرقت علمی، پلاگیاریسم، علل و ابعاد آن. **فصلنامه سرمایه ایران**. ۴ (۳۲ و ۳۳).
۴. بحرینی، نسرین. (۱۳۸۹). اخلاق پژوهش به منزله یک دانش: جستجو در اضلاع و هویت معرفتی اخلاق پژوهش. **راهبرد فرهنگ**. شماره‌های ۸ و ۹.
۵. بطحائی، سیده زهرا. (۱۳۹۰). سرقت علمی: تعریف، مصادیق‌ها و راهکارهای جلوگیری، پیشگیری و تشخیص. **کارآگاه**. ۲ (۱۶).
۶. بهمن‌آبادی، سمیه؛ طاهره جاویدی کلاته‌جعفرآبادی و بختیار شعبانی‌ورکی. (۱۳۹۳). رعایت اخلاق پژوهش در رساله‌های دکتری. **راهبرد فرهنگ**. ۷ (۲۵).
۷. حری، عباس. (۱۳۹۰). **اخلاق انتشارات علمی**. شیراز: پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC).
۸. حری، عباس و اعظم شاه‌ابداغی. (۱۳۸۳). استناد در آثار علمی: چاله‌ها و چالش‌ها. **مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی**. ۴ (۲).
۹. حیدری، غلامرضا؛ عبدالحسین فرج‌پهلوی و ابوالفضل اسدینیا. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل ترغیب‌کننده و بازدارنده پژوهش در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران. **فصلنامه علم اطلاعات و نسخه‌شناسی**. ۱ (۲).
۱۰. خنیفر، حسین؛ حامد بردبار و فریبا فروغی قمی. (۱۳۹۰). تبیین مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش. **معرفت اخلاقی**. شماره ۶.
۱۱. زمانی، بی‌بی عشرت؛ سیدامین عظیمی و نسیم سلیمانی. (۱۳۹۲). مقایسه عوامل مؤثر بر سرقت علمی بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی از دیدگاه دانشجویان. **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**. ۷ (۳).
۱۲. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۳). خاستگاه اخلاق پژوهش. **آینه میراث**. ۲ (۴).
۱۳. فعلی، سعید؛ نگین بیگلری و غلامرضا پزشکی‌راد. (۱۳۹۱). نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمینه سرقت علمی. **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**. شماره ۶۵.
۱۴. محمودی، علی. (۱۳۸۶). نگرش فلسفی بر اخلاق پژوهش. **دانشگاه اسلامی**. ۱۱ (۴).
۱۵. نوروززاده، رضا؛ عبدالله افشار و ندا رضایی. (۱۳۸۹). اخلاق علمی در فرایند پژوهش (بایدها و نبایدها). **پژوهشنامه**. ۶۳.

16. Barnbaum, C. (2002). Plagiarism: A Student's Guide to Recognizing It and Avoiding It. *Valdosta State University*. Retrieved Jul 24, 2019 from: http://vsutv.valdosta.edu/personal/teaching_MISC/plagiarism.htm.
17. Bilic Zulle, L; V. Frković; T. Turk; J. Azman. & M. Petroveck. (2005). Prevalence of Plagiarism among Medical Students. *Croat Med.* 46(1).
18. Eret, E. & T. Gokmenoglu. (2010). Plagiarism in Higher Education: A Case Study with Prospective Academicians. *Procedia Social and Behavioral Sciences.* (2)2.
19. Harris, R. A. (2001). *The Plagiarism Handbook: Strategies for Preventing, Detecting, and Dealing With Plagiarism*. Los Angeles, CA: Pyczak Publishing.
20. Huggett, S. (2013). Journal Bibliometrics Indicators and Citation Ethics: A Discussion of Current Issues. *Atherosclerosis*. No. 230.
21. Martin, B. R. (2013). Whither Research Integrity? Plagiarism, Self-Plagiarism and Coercive Citation in an Age of Research Assessment. *Research Policy.* 42.
22. Miziara, I. D. (2010). Ethics in Scientific Publications: the Double Copyright Problem. *Braz J Otorhinolaryngol.* 76(5).
23. Orim, S. M. I. (2017). Conceptual Review of Literature on Student Plagiarism: Focusing on Nigerian Higher Education Institutions. *World Journal of Educational Research.* 4(1).
24. Park, C. (2003). In Other (People's) Words: Plagiarism by University Students Literature and Lessons. *Assessment & Evaluation in Higher Education.* 28(5).
25. Sieber, J. E. (1992). *The Ethics of Social Research*. New York: Springer.
26. Smith, M.; N. Ghazali. & F. Minhad. (2007). Attitudes towards Plagiarism among Undergraduate Accounting Students: Malaysian Evidence. *Asian Review of Accounting.* 15(2).
27. Wallace, M. B. & P. B. Siersema. (2015). Ethics in Publication. *Gastrointestinal Endoscopy.* 82(3).